سرشناسه:
هریسون، چارلز
۱۹۴۲- م.
Harrison, Charles.
عنوان و نام پدیدآور:
هنر مفهومی و امر زیبا و
پایان (های) هنر/
چارلز هریسون؛
مترجم احمدرضا تقاء.
مشخصات نشر:
...: بن ...، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری:
۶۴ص: م... ۱۷×۱۱ س‌م.
قیمت:
...ی هنر...
شابک
۹۷۸-...
وضعیت فهرست نویسی: ...
...:
کتاب حاضر ترجمه بخشی
از کتاب
"Themes in
contemporary art"
با عنوان
"Conceptual Art, The
aesthetic and the end(s)
of art"
است.
موضوع: هنر مفهومی.
موضوع: نقد هنری.
موضوع: هنر نوین - قرن۲۰م.
- زمینه و موضوع.
شناسه افزوده:
تقاء، احمدرضا،
۱۳۵۲-، مترجم.
رده‌بندی کنگره:
N۶۴۹۴/هـ۹هـ۴۱۳۸۶
رده‌بندی دیویی:
۷۰۹/۴۰۷۵
شماره کتابشناسی ملی:
۱۱۷۸۸۴۶

<۲>

درونمایه‌های هنر معاصر

هنر مفهومی، امر زیبا و پایان(های) هنر

نویسنده: چارلز هریسون
مترجم: احمد رضا تقاء
ویراستار: ماهان معلمی

مدیر...ری: ...مان راد
طر... کر... محبوبه مهربانی

لیتوگرافی و چا...
چاپ اول: ۱۳۹۳
تیراژ: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۶۷۸-۲-۶

نشر بن گاه
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۸۵۷۶
www.bon-gah.com

این پروژه با همکاری شهاب فتوحی به انجام رسیده است.

www.ketab.ir

«تصویر ۲»
هنر و زبان
جزئیاتِ *نمایه‌ی ۱۰*
(تصویر ۱۲)
از بخشِ دیواری اثر

مُقدمـــــه

اهداف جستار حاضر عبارت‌اند از بررسی فرضیه‌ی مرکزیتِ زبان‌شناسی و گفتمان انتقادیِ مدرنیستی در دهه‌ی ۱۹۶۰، تکوین فرم‌های هنر مفهومی در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، و پاره‌ای تغییرات پدیدار در اولویت‌های نقد. توجه نقد مدرنیستی نوعاً به «کیفیت تأثیر» نسبی ('quality of effect' relative) در نقاشی و مجسمه‌سازی معطوف بود که به‌وسیله‌ی چینش‌های موجود شکل و رنگ منتقل می‌شد. اما بینندگان هنر کانسپچوال با آثاری عمدتاً عاری از رنگ و شکل موارد فاقد هرگونه شکل مشخص یا واحد روبرو بودند، که نمونه‌شان در تصویر ۲ می‌توان دید. هر که از تاریخ آوان‌گاردیسم درِ قرن بیستم سررشته داشته دست کم پیش از نفی هنر بودن این گونه آثار اندکی درنگ خواهد کرد. بنابراین نخست پرسشی که می‌بایست پاسخی برای آن بافت این است که چگونه می‌توان این قبیل چیزها را آثار هنری در نظر گرفت، و نه صرفاً تعدادی گزاره یا بیانیه، پیش‌طرح یا سند،

www.ketab.ir

آثار نقادانه و یا مقالات نظری، و پرسش دوم اینکه چرا باید علی‌الظاهر از خیر همه‌ی آن چیزهایی که تا پیش از این قبیل آثار در جذابیت حسی هنر مؤثر بودند گذشت.

تعیین حدود قلمرو ارجاع اصطلاح هنر مفهومی امری است دشوار و همین موضوع کار بررسی و مطالعه‌ی این مقوله را با پیچیدگی‌هایی همراه می‌سازد. از دهه‌ی ۱۹۷۰ به این سو بر همه‌ی انواع تولیدات هنری که در دایره‌ی مقولات فنی معین و مشخصی نظیر نقاشی و مجسمه‌سازی نمی‌گنجند بلااستثنا لفظ «مفهومی» اطلاق می‌شود. در خلال دهه‌های سوم تا پنجم قرن بیستم اصطلاح «انتزاعی» نیز به سرنوشتی مشابه دچار شد و افراد غیرحرفه‌ای این لفظ را بر کمابیش هر اثر دشوارفهمی اطلاق می‌کردند. مانعی که معمولاً بر سر راه درک هنر انتزاعی وجود داشت این بود که هنر انتزاعی از ارائه‌ی تصویری بلافاصله بازشناختنی از اشیای موجود در جهان، یعنی [illegible] کردی که تا پیش از آن در زمره‌ی ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر نقاشی و مجسمه به شمار [illegible]، پرهیز می‌کرد. بی‌تردید اینکه بتوان چیزی را نقاشی دانست *بی‌آنکه* [illegible] لزوم [illegible] چیزی باشد ایده‌ای بود که برای پیشگامان هنر انتزاعی در خلال دو دهه [illegible] بیستم جذابیت داشت. پدیده‌ی متعاقب این دوزه، یعنی شیوع اطلاق لفظ انتزاعی بر هر اثر بدیعی که سبکی ناآشنا داشت گویای پیامدهای گسترده [illegible] از تصورگری بود. اما با رواج هرچه بیشتر این اصطلاح، ناگزیر معنای آن از آن ادعاها و تصورناپذیری که در ابتدا به ذهن واسیلی کاندینسکی (Wassily Kandinsky)، کازیمیر مالویچ (Kasimir Malevich)، پیت موندریان (Piet Mondrian) و دیگران خطور کرده بود دورتر و دورتر شد.

به باور من این وضعیت تا حد زیادی شبیه حال صفت «مفهومی» نیز می‌شود؛ صفتی که وقتی به نظر رسید حیطه‌ی [illegible] دیگر جای کار ندارد جانشین لفظ «انتزاعی» شد و نقش جنجال‌آفرینی [illegible] بر عهده گرفت. از یک سو، رواج هر چه بیشتر این اصطلاح گواهی است بر اهمیت [illegible] مورد انواع آن. در این مورد تحول در ملاک‌های تشخیص، تعریف و ارزیابی اشیایی خاص به [illegible] آثار هنری بود. و از سوی دیگر خود همین رواج شرایط خاصی را [illegible] هنرمندان در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ با آن روبرو بودند از نظر پنهان می‌دارد: شرایطی [illegible] فکر در خصوص همان شیوه‌های بدیعی برای کار کردن سوق داد که این اصطلاح [illegible]

www.ketab.ir

بار در توصیف‌شان به کار رفت. به هر حال در هر دو مورد، موضوع مد نظر ماهیت برهه‌ای تحول‌آفرین در تاریخ هنر است. در مطالعه‌ی هرکدام از این دو برهه آنچه ضرورت دارد تجسم همه‌لانه‌ی شرایط عملی ـ چارچوب مشکلات و امکانات ـ آن برهه است؛ شرایطی که به نظر می‌رسید برای تعدادی از آنان که درگیرش بودند تعریف معینی از فعالیت هنری به دست می‌دهد.

اشیای نامشخص

در ۱۹۶۳، در مجموعه مقالاتی که آهنگساز آوان‌گارد، لا مونت یانگ (La Monte Young) ویرایش کرد، مقاله‌ای از هنری فلینت (Henry Flynt) در زمینه‌ی «هنر مفهوم» (Concept Art) به چاپ رسید.[1] فلینت با گروه فلاکسوس (Fluxus) در ارتباط بود و با آهنگسازان و دیگر اجراهای این گروه شرکت داشت. البته مقاله‌ی او که در ۱۹۶۱ نوشته شده به رنگ‌وبویی شخصی داشت و بیشتر به موسیقی و ریاضیات می‌پرداخت تا هنر. اصطلاح «هنر مفهومی» ('Conceptual Art') نخستین بار در ۱۹۶۷ در پی انتشار مقاله‌ای از سُل لوویت (Sol LeWitt) با عنوان «چند پاراگراف در باب هنر مفهومی» در یکی از شماره‌های مجله‌ی آمریکایی *آرت‌فوروم* (*Artforum*) باب شد.[2] لوویت در جریان مینیمالیستی نیویورک در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ بود و در ۱۹۶۹ تشریح متنوعی از تعدادی طراحی دیواری تهیه می‌کرد که قرار بود اجرایشان به افراد واگذار شود (تصویر ۸). او می‌نویسد «زمانی که هنرمند از یک فرم هنری مفهومی استفاده می‌کند یعنی همه‌ی طراحی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها پیشاپیش انجام شده و اجرا فرع بر موضوع است. هنر مفهومی تنها زمانی خوب است که فکر و ایده‌ی پشت آن خوب باشد.»[3]

می‌توان گفت «هنر مفهومی» به وسیع‌ترین معنای این عبارت سر به مهر اجرا (پرفورمنس) می‌رسد و سر دیگرش به ایده‌هایی که در قالب متن، نمودار و عکس ارائه می‌شوند. البته تمایز میان هنر اجرا و هنر ایده تمیزی نیست که بتوان آن را صددرصد در مورد تمامی آثار آوان‌گارد اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ به کار بست، ولی می‌توان از آن برای مشخص کردن شماری از کارهای گوناگون انجام‌شده در چارچوب وسیع‌تر جنبش هنر کانسپچوال بهره جست. هدف من در

<1> Flynt, 'Concept Art' (1961), in Young, *An Anthology*, unpaginated.

<2> LeWitt, 'Paragraphs on Conceptual Art', first published in *Artforum*, vol. 5, no. 10, summer 1967, pp. 79-84; reprinted in Harrison and Wood, *Art in Theory 1900-2000*, VIIA8, pp. 864-9. LeWitt's subsequent 'Sentences on Conceptual Art' was first published in *Art-Language*, vol. 1, no. 1, May 1969, pp. 11-13 and is reprinted in Harrison and Wood, *Art in Theory 1900-2000*, VIIA9, pp. 849-51.

<3> LeWitt, 'Paragraph on Conceptual A (1967), in Harrison and W *Theory* VI pp. 849.

www.ketab.ir